

UlumhadithTwenty-sixth No 4
Winter (Des-Mar 2021)**فصلنامه علمی علوم حدیث**سال بیست و ششم شماره ۴ (پیاپی ۱۰۲)
زمستان، ص ۱۸۱ - ۱۵۷**تحلیل روانی ارتباط جنسیت و فضایل اخلاقی با تکیه بر آموزه‌های شیعی****(مطالعه موردی صبر و حیا در برابر شهوت)**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

ابراهیم شفیعی سروستانی^۱سید روح الله میرشفیعی^۲**چکیده:**

یکی از مسائل بنیادین در پژوهش‌های اخلاقی، تفاوت در ویژگی‌های اخلاقی زن و مرد است. در دوران معاصر، طرفداران برابری زنان با مردان، از جمله برخی اندیشمندان شیعی، سعی در انکار وجود این تفاوت‌ها دارند، لذا قایل به تفکیک نقش‌ها براساس جنسیت و تأثیر انکارناپذیر آن نیستند. از منظرهای مختلفی به این موضوع پرداخته شده است. ما در این مقاله، با رویکرد تحلیل روانی، به این موضوع پرداخته‌ایم. با بررسی کتب روایی و نظرات مترجمان و شارحان شیعی، ذیل روایاتی که بر فزونی حیا و صبر زنان در برابر شهوت جنسی، نسبت به مردان دلالت دارد، دست یافتیم که این روایات، به لحاظ سندی و محتوایی در آموزه‌های شیعی معتبر هستند و همچنین تحقیقات تجربی هم، این تفاوت‌ها را تأیید می‌کنند. لذا اثبات وجود این تفاوت‌ها در آموزه‌های شیعی، مصداقی بر نفی تساوی‌انگاری مطلق در ویژگی‌های اخلاقی زن و مرد است.

کلیدواژه‌ها: حیا، صبر، شهوت جنسی، جنسیت، آموزه‌های شیعی.

مقدمه

یکی از مسائل بنیادین در پژوهش‌های اخلاقی، تفاوت در ویژگی‌های اخلاقی زن و مرد است و زمینه را برای پژوهش‌های کاربردی در حوزه اخلاق فراهم می‌کند. در دوران معاصر، طرفداران برابری زنان با مردان، از جمله برخی اندیشمندان شیعی، سعی در انکار تأثیر

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (ibrahim.shafiee@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق (r.mirshfiei@gmail.com).

جنسیت در هنجارهای اخلاقی دارند. این موضوع منشأ تحولاتی در دهه‌های اخیر شده است. پیوند مستحکم موضوع تفاوت‌ها، با دو مبحث اساسی «نقش‌ها» و «حقوق»، مستمسکی برای کسانی بود که می‌خواستند از طریق نفی تفاوت‌ها خصوصاً تفاوت‌های اخلاقی، به نفی هرگونه تمایز نقش و تفاوت حقوقی میان زن و مرد بپردازند.

اکثریت قریب به اتفاق برنامه‌ریزی‌ها، الگوها و تحولات در جهان معاصر، بر مبنای نفی تفاوت‌های زن و مرد، به خصوص تفاوت‌های اخلاقی است. آموزه‌های شیعی، بهترین منابع برای کشف حقیقت اخلاق هستند. در آموزه‌های شیعی، روایاتی مبتنی بر نفی تساوی‌انگاری مطلق در ویژگی‌های اخلاقی زن و مرد وجود دارد و بین برخی صفات اخلاقی، مانند حیا و صبر در میان زنان و مردان تفاوت گذاشته شده است. برخی اندیشمندان شیعی، سعی در نفی تمایز اخلاقی زن و مرد دارند و در سند و محتوای روایاتی که حاکی از تفاوت‌گذاری اخلاقی‌اند، خدشه وارد می‌نمایند.

آثاری که تاکنون به رابطه اخلاق و جنسیت در اسلام، خصوصاً شیعه پرداخته‌اند، دو گونه‌اند: یا به صرف بیان روایات حاکی از تفاوت‌گذاری اخلاقی بر اساس جنسیت، بسنده کرده‌اند؛ مانند کتاب هویت و نقش‌های جنسیتی - که به کوشش محمد رضا زیبایی نژاد در سال ۱۳۸۸ جمع‌آوری گردیده است - و کتاب اخلاق، جنسیت و زنان، از احمد دیلمی که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. و یا اگرهم روایات را تحلیل و بررسی نموده‌اند، با رویکردی مخالف رویکرد ما، یعنی رویکرد نفی تفاوت‌گذاری بوده است؛ مانند کتاب شخصیت و حقوق زن در اسلام، از مهدی مهریزی که در سال ۱۳۸۲ در موضوع «زنان» و «فقه خانوادگی» چاپ شده است و مقاله «جنسیت و اخلاق در حدیث خصال النساء...»، نوشته سید حسن اسلامی که در فصلنامه علوم حدیث در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است. مسأله اساسی نوشتار حاضر اعتبارسنجی این تفاوت‌گذاری‌ها در آموزه‌های شیعی است. به عبارت دیگر، به این مسائل می‌پردازد که: الف. آیا تفاوت‌های گذاشته شده اعتبار درون‌دینی دارند؟ یعنی آیا به لحاظ سندی یا دلالتی صحیح هستند؟ و آیا تفاوت‌های گذاشته شده از منظر مترجمان و شارحان شیعی مورد پذیرش واقع شده است؟

لذا در این مقاله، ابتدا مجموعه‌ای از روایاتی که بین صبر و حیا زن و مرد، تفاوت گذاشته است، به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری نمودیم و به صورت توصیفی - تحلیلی از لحاظ سندی و محتوایی مورد تفحص و تدقیق قرار دادیم و نظرات مترجمان، شارحان و

مفسران ذیل آن‌ها را نیز بررسی نمودیم و براساس نظریه سازگاری علوم تجربی و دین، ویژگی‌های اخلاقی مورد نظرها، با نتایج تحقیقات تجربی به عنوان مؤید مورد بررسی قرار دادیم. در پایان درباره وجود و اعتبار روایات حاکی از تفاوت‌گذاری حیا و صبر در مقابل شهوت جنسی، براساس جنسیت، به جمع‌بندی رسیدیم.

روایات متعددی درباره تفاوت حیا و صبر زنان و مردان وجود دارد. مرحوم کلینی (م ۳۲۹ق) در کتاب الکافی، شش حدیث درباره برتری حیا و صبر زنان نسبت به مردان، بدون هیچ توضیحی درباره احادیث، آورده است که همه آن‌ها در باب مجزایی به نام «بَابُ فَضْلِ شَهْوَةِ النِّسَاءِ عَلَى شَهْوَةِ الرِّجَالِ» قرار دارند. از آنجا که این کتاب از منابع بسیار معتبر شیعی است و روایات مورد نظرها در باب مجزا بیان نموده است، لذا ابتدا روایات این باب آورده شده و به لحاظ سندی و محتوایی مورد بررسی قرار می‌گیرند و در ذیل بحث محتوایی و تشکیل خانواده حدیث، دیگر روایات مبتنی بر برتری حیا و صبر زنان نسبت به مردان، به طور مجزا، آورده شده و با این روایات مقایسه و جمع‌بندی می‌گردد.

۱. تفاوت حیا و زنان نسبت به مردان

اولین حدیث از باب مورد نظر، درباره حیا و زن، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است:

خَلَقَ اللَّهُ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ، فَجَعَلَ تِسْعَةً أَجْزَاءٍ فِي النِّسَاءِ وَجُزْءًا وَاحِدًا فِي الرِّجَالِ، وَلَوْ لَا مَا جَعَلَ اللَّهُ فِيهِنَّ مِنَ الْحَيَاءِ عَلَى قَدَرِ أَجْزَاءِ الشَّهْوَةِ لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعُ نِسْوَةٍ مُتَعَلِّقَاتٍ بِهِ؛^۱

خداوند، شهوت را برده جزء آفریده که نه جزء آن را برای زنان و یک جزئش را در مردان قرار داد. اگر به همان نسبت (نه دهم) حیا و شرم در زنان قرار نداده بود، به طور حتم، در پی هر مردی، نه زن بود.

در این روایت شهوت و حیا و زن نه برابر مردان ذکر شده است.

و همچنین در حدیث پنجم از باب مورد نظر بیان شده است:

فُضِّلَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى الرَّجُلِ بِتِسْعَةٍ وَتِسْعِينَ مِنَ اللَّذَّةِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْقَى عَلَيْهِنَ الْحَيَاءَ؛^۲

زن نود و نه برابر مرد لذت دارد، ولی خداوند حیا و شرم را برای آنان القا کرده است.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۸.

۲. همان.

۱-۱. تحلیل و بررسی روایات مبتنی بر تفاوت حیات زنان نسبت به مردان

اگر بخواهیم متعبدانه به آموزه‌های دینی، فارغ از یافته‌های علمی و مطالعات اخلاقی، تن دهیم، لازم است نخست، صحت انتساب حدیث احراز گردد و سازگاری مضمون آن با دیگر آموزه‌های دینی روشن گردد. برای این کار باید به بررسی سند و محتوای خود حدیث و مقایسه آن با آموزه‌های دینی درباره اخلاق و جنسیت دست زد. بنابراین، در این باره از دو منظر می‌توان این حدیث را بررسی کرد: سند حدیث و محتوای حدیث.

۱-۱-۱. بررسی سند احادیث

دو روایت اول و پنجم، از باب مورد نظر - که مربوط به حیا بودند - روایت اول از لحاظ سند، موثق و مسند است، ولی روایت پنجم، از لحاظ سند، ضعیف و مرسل است. برخی کتب دیگر از شیعه، همین روایات را با اسناد الکافی نقل می‌کنند.^۱ البته برخی کتب دیگر نظرشان درباره سند این احادیث، با وضعیت سندهایی که مطرح کردیم، متفاوت است؛^۲ چراکه تفاوت، در مبنای وضعیت سند است و از بحث ما خارج است.

۱-۱-۲. بررسی محتوای حدیث

الف) تفاوت‌های متنی حدیث در منابع شیعه

شیخ حرعاملی (م ۱۱۰۴ق) در وسائل الشیعه^۳ و همچنین مرحوم بروجردی (م ۱۳۸۰ق) در کتاب جامع احادیث شیعه،^۴ بدون هیچ کسرو اضافه‌ای هر دو حدیث را نقل کرده‌اند؛ اما مرحوم شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)^۵ و متأخرینی مانند مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق)،^۶ حدیث اول را به این صورت ذیل نقل نموده‌اند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةً فِي الرِّجَالِ وَوَاحِدَةً فِي النِّسَاءِ، وَذَلِكَ لِبَنِي هَاشِمٍ وَشِيعَتِهِمْ، وَفِي نِسَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ وَشِيعَتِهِمُ الشَّهْوَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ فِي النِّسَاءِ تِسْعَةٌ وَفِي الرِّجَالِ وَاحِدَةٌ؛

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۳.

۲. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۳.

۴. جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، ص ۵۶۴.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۷.

۶. الوافی، ج ۲۱، ص ۷۹؛ مشکاة الأنوار، ص ۲۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.

همانا خداوند ﷻ شهوت را ده جزء قرار داده؛ نه جزآن در مردان است و یک جز در زنان. و این نحوه تقسیم برای بنی هاشم و پیروانشان است. و در زنان بنی امیه و پیروانش از ده جزء شهوت، نه جزء آن را برای زنان و یک جزء آن را برای مردان است. ابتدای این حدیث، بیان گر عکس حدیث اول است و دلالت بر برتری شهوت مردان دارد، اما بین زن و مرد هاشمی و غیر هاشمی تفاوت قایل شده‌اند؛ البته تفاوت بین هاشمی و غیر هاشمی خارج از بحث این تحقیق است. برخی شارحین این مطلب را از مصنف دانسته‌اند؛ نه این که در روایت باشد.^۱ در صورت وجود در روایت هم، با تخصیص دادن این حدیث به بنی هاشم، عمومیت حدیث برای غیر بنی هاشم باقی می ماند. همچنین مرحوم شیخ صدوق^۲ و مرحوم فیض کاشانی،^۳ علاوه بر این دو حدیث، حدیثی دیگر درباره برتری حیای زنان نسبت به مردان آورده‌اند:

الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ. فَإِذَا خُفِضَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ مِنْ حَيَائِهَا، وَإِذَا تَزَوَّجَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ، وَإِذَا افْتَرَعَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ، وَإِذَا وَلَدَتْ ذَهَبَ جُزْءٌ وَبَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ وَبَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ؛ فَإِذَا فَجَرَتْ ذَهَبَ حَيَائِهَا كُلُّهُ، وَإِنْ عَقَّتْ بَقِيَ لَهَا خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ؛^۴

حیا، ده جزء است که نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان است. وقتی زن حیض می شود، یک جزء حیای وی می رود و چون ازدواج می کند، یک جزء دیگر می رود و چون عروسی می کند، یک جزء دیگر می رود و چون فرزند به دنیا می آورد، یک جزء دیگر می رود و پنج جزء حیا برای وی باقی می ماند. اگر [زن] تن به ناپاکی دهد، همه حیا از میان می رود و اگر عفت ورزد، آن پنج جزء، باقی می ماند.

این روایت، مراحل دگرگونی حیای زن و کم شدن چهار جزء آن از اجزاء نه گانه، در روند تحوّل زنانگی زن را بیان می کند و راه حفظ بقیه آن را، تقوا و یا راه نابودی همه آن را، عدم پرهیزکاری دانسته است.

ب) بررسی دیدگاه شارحان و مترجمان

مرحوم کلینی (م ۳۲۹ق) این احادیث را بی نیاز از توضیح دانسته است. فقط مصححین

۱. روضة المتقین، ج ۸، ص ۵۱۱.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۹.

۳. الوافی، ج ۲۱، ص ۷۹؛ مشکاة الأنوار، ص ۲۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۶۸؛ الخصال، ص ۴۳۹.

کتاب الکافی درباره روایت اول می نویسند که یا قلب یا تصحیف صورت گرفته است؛ چراکه مقتضی حدیث، عکس آن را می طلبد؛ یعنی هرزنی نه مرد را می طلبید.^۱
مرحوم شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، پس از نقل حدیث پنجم، توضیحی درباره این تفاوت ها مطرح نموده اند.^۲

مرحوم مجلسی (م ۱۰۷۰ق) در روضة المتقین، عکس حدیث اول را نقل می کند، که متفاوت از دیگر احادیث این باب در الکافی است و بیان می کند که احادیث مشابه دیگری هم هست و تخصیص این روایت به بنی هاشم - که شیخ صدوق بیان می دارد - براساس روایت مرحوم کلینی در الکافی است^۳ و انگیزه شیخ صدوق را از این تخصیص، این روایت می دانند و سپس رفع تعارض این حدیث از دیگر احادیث کرده و می گوید:

شهوة زنان زیادتر از مردان است و شهوة زنان بنی امیه بیشتر از دیگر زنان است.^۴
مرحوم فیض (م ۱۰۹۱ق) در کتاب الوافی، هر دو حدیث الکافی را آورده است.^۵ مرحوم محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) در کتاب مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول علیه السلام هر دو روایت الکافی را آورده و در ادامه، به دیدگاه خود درباره وضعیت سند روایات می پردازد.^۶
در کتاب الکافی، چاپ دارالحدیث از قول حاجی کلباسی توجیهی درباره حدیث اول آمده است.^۷ مترجمین هم بدون شرح یا حتی توضیحی از آن عبور کرده اند.^۸

ج) بررسی متن حدیث

واژه «شهوة»، در لغت از ماده «شهو» به معنای «رغبت، دوست داشتنی، آرزو، خواهانی

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۸.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۹.

۳. «إن الله نزع الشهوة من رجال بنی أمیه، وجعلها فی نساءهم وکذلک فعل بشیعتهم. وإن الله نزع الشهوة من نساء بنی هاشم وجعلها فی رجالهم وکذلک فعل بشیعتهم» (الکافی، ج ۵، ص ۵۶۴).

۴. روضة المتقین، ج ۸، ص ۵۱۲.

۵. الوافی، ج ۲۱، ص ۷۸.

۶. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۲.

۷. الکافی (دارالحدیث)، ج ۱۰، ص ۶۰۸.

۸. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۷۲۴؛ الکافی، ترجمه محمدباقر کمره ای، ج ۲، ص ۳۲۷؛ الکافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ج ۵، ص ۳۳۸؛ الخصال، ترجمه محمدباقر کمره ای، ج ۲، ص ۲۰۴؛ الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، ج ۲، ص ۱۵۹؛ الخصال، ترجمه احمد فهری زنجانی، ج ۲، ص ۵۱۱؛ الخصال، ترجمه مرتضی مدرس گیلانی، ج ۲، ص ۳۵.

تن» و اصل این ماده «رغبت شدید نفس بر چیزی که سازگار با آن باشد»، است و اعم از شهوت جنسی است.^۱

واژه «حیا» عبارت است از دگرگونی حال و انکساری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می‌شود، حاصل می‌گردد.^۲ برخی حیا را انقباض نفس از زشتی‌ها و ترک آن به همین جهت (زشت بودن) می‌دانند.^۳

در اصطلاح، «حیا» عبارت است از ملکه نفسانی که موجب حفظ نفس از کارهای زشت و خلاف ادب می‌شود تا مورد سرزنش قرار نگیرد.^۴ بالتبع، حیا در مقابل شهوت، عبارت است از ملکه نفسانی که موجب حفظ نفس از کارهای زشت و خلاف اخلاق جنسی می‌شود تا مورد سرزنش قرار نگیرد.

در روایت «خَلَقَ اللَّهُ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ»^۵، مراد، شهوت جنسی است؛ زیرا شهوت زن با شهوت مرد مقایسه شده است و مرد را ارضاکننده این شهوت دانسته است؛ چرا که در آخر روایت آمده است: «لَكَانَ لِكُلِّ رَجُلٍ تِسْعَ نِسْوَةٍ مُتَعَلِّقَاتٍ بِأَهْرَمَرْدِي ثُمَّ زَنَ مِیْ أَوِیْخَتٍ». لذا حیای مورد نظر در این روایت حیای در مقابل شهوت جنسی است.

حیا از اُمور مادی و دارای اجزا نیست تا تجزیه شدنی باشد. بنابراین، آفرینش آن به ده جزء وجود نه جزء آن در زن و یک جزء در مرد - که آشکارا در روایت آمده است - به معنای حقیقی که در اجسام وجود دارد، نیست، بلکه کنایه از فزونی آن در زنان است. امثال این‌گونه تعبیرها در روایات، بسیار است.

ممکن است این پرسش ذیل روایت «خَلَقَ اللَّهُ الشَّهْوَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ»^۶ مطرح شود که اگر حیای زنان به اندازه شهوتشان نبود، به هر مردی که زن تعلق می‌گرفت، با صدر روایت، یعنی «شهوت زنان نه برابر مردان است»، سازگاری ندارد؛ زیرا ظاهر این بود که بگوید: «اگر حیای زنان به اندازه شهوتشان نبود، هر زنی به نه مرد احتیاج داشت تا بتواند نیازش را ارضا کند؛

۱. العین، ج ۴، ص ۶۸؛ تاج العروس، ج ۱۹، ص ۵۸۸؛ القاموس المحيط، ج ۴، ص ۳۹۰؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۷۴.

۲. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۸۲.

۳. مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۲۷۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۲۹.

۵. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۸.

۶. همان.

زیرا هرچه شهوت بیشتر باشد، نیاز به ارضا نیز بیشتر می‌شود.^۱

پاسخ این است که هیچ‌گونه تنافی میان صدر و ذیل روایت نیست؛ زیرا اگر فرض کنیم تعداد زنان و مردان مساوی است (تساوی جمعیتی) و شهوت زن و مرد هم مساوی باشد (تساوی غریزه جنسی)، نتیجه آن می‌شود که یک زن برای یک مرد، کافی است؛ یعنی هر مرد می‌تواند یک زن را ارضا کند و بالعکس (کفایت جنسی). اما اگر در فرض تساوی جمعیتی، شهوت زن بیشتر باشد (نه برابر)، دیگر برای هر زن، یک مرد کافی نخواهد بود؛ زیرا یک مرد فقط می‌تواند یک جزء از نه جزء میل جنسی زن را برآورده کند و هر زن برای ارضای تمایل جنسی‌اش باید به سراغ نه مرد برود و دور هر مرد را نه زن می‌گیرد. و لذا اگر شهوت زن به وسیله حیا کنترل نمی‌شد، این زن بود که نیاز به نه شوهر می‌داشت.^۲

در روایت «فُضِّلَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى الرَّجُلِ بِتِسْعَةٍ وَتِسْعِينَ مِنَ اللَّذَّةِ»،^۳ برای مقصود از لذت دو احتمال وجود دارد: نخست، آن‌که مراد از «لذت»، مطلق لذایذ جنسی و غیر جنسی باشد و مراد از عدد ۹۹، کثرت عددی باشد. طبق این احتمال، زنان از شیردادن، نگه‌داری کودک، آرایش و زینت کردن و بسیاری چیزها لذت می‌برند که برای مردان چنین نیست. و حیای در مقابل آن هم، مربوط به همه این موارد و به معنای عام می‌گردد.

دوم، آن‌که مراد از «لذت» در این روایت، خصوص لذت جنسی و عدد ۹۹ کنایه از شدت باشد. براساس این احتمال، روایت، در مقام بیان شدت شهوت جنسی زنان است و حیای روایت هم حیای در مقابل شهوت جنسی و به معنای خاص است که در هر دو صورت، روایت حاکی از فزونی حیای زن نسبت به مردان است.

با توجه به داستان آدم و حوا و تلاش آن‌ها برای استفاده از پوشش برای اندامشان،^۴ همچنین ناراحتی حضرت مریم علیها السلام و آرزوی مرگ از لکه‌دار شدن عفتش نزد مردم^۵ و همچنین حرکت زن عزیز مصر در بستن درها و پوشاندن صورت بت‌ها، می‌توان تکوینی و فطری بودن صفت حیا را پذیرفت.

البته طبیعی بودن صفت حیا در زنان به این معنا نیست که برای پایداری و حفظ آن نیاز

۱. رک: الکافی (دارالحدیث)، ج ۱۰، ص ۶۰۸.

۲. الفوائد الطوسیه، ص ۹۷؛ الکافی (دارالحدیث)، ج ۱۰، ص ۶۰۸.

۳. همان.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۱، ص ۱۹۵.

۵. سوره روم، آیه ۲۳.

به آموزش و تقویت نیست، بلکه در متون اسلامی سفارش زیادی به تربیت انسان‌ها به ویژه دختران و زنان بر محور حیا شده است. در روایتی بیان می‌شود که شش صفت نیکوست، اما از شش گروه نیکوتر، ...، حیا نیکوست، اما از زنان نیک‌تر.^۱ در دعاهایی که از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است، می‌بینیم که یکی از درخواست‌ها، حیای بیشتر برای زنان است.^۲ در روایتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

قیامت برپا نمی‌شود، مگر پس از آن‌که حیا از کودکان و زنان رفته باشد.^۳

می‌توان حکمت رواج خواستگاری مرد از زن را، به خاطر همین تفاوت طبیعی بین زن و مرد، یعنی فزونی حیای زن نسبت به مرد دانست؛ چرا که در سیره مردم، به طور عام و متشرعان به طور خاص، خواستگاری مرد از زن رواج دارد، که نشان از استحباب و اولویت خواستگاری مرد از زن دارد.^۴

بنا بر این روایات، علی‌رغم این‌که شهوت زنان بیشتر از مردان است، ولی این فزونی نباید باعث انحراف جنسی آنان گردد؛ چرا که خداوند متعال به موازات افزایش شهوت زن، نیروهای کنترلی وی را نیز افزایش داده است. حیا از نیروهای مهارکننده‌ای است که در زنان، بیش از مردان وجود دارد.^۵

طبق روایت «الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ»،^۶ نه جزء از ده جزء حیا، در زنان قرار دارد. این نه جزء، همانند لایه‌های نه‌گانه‌ای هستند که شهوت زن را مهار کرده و عفت و پاک‌دامنی وی را تضمین می‌کنند. این لایه‌های نه‌گانه در روند تحوّل زنانگی زن، دست‌خوش تغییر می‌شوند.^۷

از سوی دیگر، لازم است که ارتباط کلامی و رفتاری دیگران با زنان نیز، با توجه به این ویژگی تنظیم شود. در قرآن کریم، آنجا که از پاداش اخروی صالحان سخن می‌گوید، به زن و مرد یکسان توجه می‌کند؛ اما در مقام بیان پاداش‌های جنسی، فقط به حوریان بهشتی و

۱. «الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي التَّسَاءِ أَحْسَنُ» (إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۳).

۲. «وَتَفَضَّلُ... عَلَى التَّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ» (البلد الأمين، ج ۱، ص ۳۴۹).

۳. «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَذْهَبَ الْحَيَاءُ مِنَ الصَّبِيَّانِ وَالتَّسَاءِ» (بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۱۵).

۴. زن در اسلام، ص ۹۰.

۵. پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۹۹.

۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۶۸؛ النخصال، ص ۴۳۹.

۷. پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۱۰۲.

ویژگی های آنان، به منزله پاداشی برای مردان صالح اشاره می شود. گویا زنان مؤمن به یک باره غایب می شوند.

بهترین توجیه، آن است که خداوند به درستی، ویژگی حیای زنان را در قرآن کریم لحاظ کرده است و به صراحت، پاداش جنسی زنان را بیان ننموده است تا آنان احساس شرم و حیا ننمایند؛ حتی آنجا که می خواهد درخواست جنسی زلیخا از حضرت یوسف علیه السلام را بیان کند از لفظ «هَيْتَ لَكَ»^۱ (من برای تو آماده ام) را آورده که در کمال عفت کلامی از جانب خداوند و رعایت شرم و حیای زنان از قرائت این آیات باشد.

۲. تفاوت صبر از منظر روایات مبتنی بر تفاوت صبر زنان نسبت به مردان

حدیث دوم از باب مورد نظر، به نقل از امام صادق علیه السلام، صبرزن ها را ده برابر مردان بیان نموده است:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ، فَإِذَا هَاجَتْ كَانَتْ لَهَا قُوَّةُ شَهْوَةِ عَشْرَةِ رِجَالٍ؛^۲

به راستی که خداوند برای هر زن، شکیبایی ده مرد را قرار داده است. پس هرگاه شهوت یک زن به هیجان بیاید، توان شهوت ده مرد را داراست.

مرحوم کلینی حدیث سوم و چهارم از باب مورد نظر را هم از امام صادق علیه السلام نقل نموده است؛ البته هر دو را با یک متن، ولی با تفاوت در نحوه نقل آورده است که در مقایسه با دو حدیث قبلی، باز هم درجه بالاتری را برای صبر و شهوت زنان، نسبت به مردان، مطرح کرده است:

إِنَّ النِّسَاءَ أُعْطِينَ بُضْعَ اثْنَيْ عَشَرَ صَبْرًا ثَنِي عَشَرَ؛^۳

به زنان، توانایی شهوت دوازده مرد و صبر و شکیبایی دوازده مرد داده شده است.

و در آخر، مرحوم کلینی حدیث ششم را با همان نسبت حدیث دوم و ده برابر بودن صبر و شهوت زن ها به نسبت مرد ها از امام ششم علیه السلام و راوی دیگری نقل نموده است:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ، فَإِذَا حَصَلَتْ زَادَهَا قُوَّةَ عَشْرَةِ رِجَالٍ؛^۴

به راستی که خداوند این توانایی را به زن داده است که همانند صبر و شکیبایی ده

۱. سوره یوسف، آیه ۲۳.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۸.

۳. همان، ص ۲۳۹.

۴. همان.

مرد را در برابر شهوت داشته باشد و آن هنگام که بالغ شد (شهوت او حاصل شد)، توان ده مرد را دارا است.

۲-۱. تحلیل و بررسی روایات مبتنی بر تفاوت صبر زنان نسبت به مردان

مانند تحلیل احادیث حیا، نخست صحت انتساب احادیث و سپس سازگاری مضمون آن با دیگر آموزه‌های شیعی بررسی می‌گردد.

۱-۲-۱. بررسی سند احادیث

سه روایت دو، سه و چهار همگی از لحاظ سندی صحیح و مسند بوده و روایت ششم هم در عین حال که موثق و مسند است، از لحاظ متن با کمی تفاوت در لغات مترادف، مانند حدیث دوم است. برخی دیگر از مصادر شیعی، همین روایات را با اسناد الکافی نقل می‌کنند.^۱

۲-۲-۱. بررسی محتوای حدیث

الف) تفاوت‌های متنی حدیث در منابع شیعه

شیخ حرعاملی در وسائل الشیعة و مرحوم شیخ صدوق من لا یحضره الفقیه، بدون هیچ کسر و اضافه‌ای هر چهار حدیث را نقل کرده‌اند.^۲ همچنین از متأخرین، مرحوم بروجردی در کتاب جامع احادیث شیعه همین چهار حدیث الکافی را نقل کرده است.^۳

ب) بررسی دیدگاه شارحان و مترجمان

مرحوم کلینی این احادیث را بی‌نیاز از توضیح دانسته است و فقط مصححین کتاب الکافی درباره حدیث چهار و شش به ترجمه برخی از لغات اکتفا کرده و بیان می‌کنند که «البضع» یعنی «الجماع» و «المباضعة» یعنی «المناکحة» و «المجامعة» و لغت «حصلت» در حدیث شش به معنای «بلغت أو حصلت الشهوة» و در بعضی نسخه‌ها «حصنت» آمده است.^۴

مرحوم مجلسی در روضه المتقین، درباره حدیث شش می‌گوید:

۱. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۰، ص ۶۳.

۲. همان؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸.

۳. الوافی، ج ۲۱، ص ۷۹؛ مشکاة الأنوار، ص ۲۳۵؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴؛ جامع

أحادیث الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۶۴.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۸.

صبر زنان ده برابر مردان است، ولی هنگامی که صبر با تمرین حاصل شد، خداوند شهوت جنسی زنان را مضاعف می‌کند.

او در ادامه، تنها به دیگر احادیث این باب و ترجمه برخی لغات و تفاوت جزئی برخی نسخه‌ها اشاره می‌کنند.^۱

مرحوم فیض (م ۱۰۹۱ق) در کتاب الوافی، هر چهار حدیث را آورده و لغت «البضع» را به «جماع» ترجمه کرده و درباره روایت ششم کتاب الکافی نسخه‌ای که «حملت» را به معنای شهوت آمده، آورده و بیان کرده که در نسخه‌ای دیگر «حصلت» آمده است.^۲

مرحوم محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) در کتاب مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول علیه السلام هر چهار روایت الکافی را آورده و تنها ترجمه کلمه «بضع» به معنای «نکاح» و تفاوت‌های جزئی اختلاف نسخ برخی کلمات را ذکر کرده و در ادامه، به دیدگاه خود درباره وضعیت سند تک‌تک روایات می‌پردازد.^۳ همچنین مترجمین هم بدون شرح یا حتی توضیحی از آن عبور کرده‌اند.^۴

خلاصه، آن‌که معنای این احادیث از نظر متقدمان و متأخران ما روشن و مدعای آن، یعنی تفاوت قاطع صبر در مقابل شهوت جنسی زنان نسبت به مردان، مقبول است. از این رو، بیشتر آنان به توضیح واژگانی کلمات حدیث بسنده کرده‌اند. شهید مطهری به این نتیجه تصریح کرده و می‌گوید:

زن از مرد شکیباتر است و تحمل دایمی زن در مقابل ناراحتی‌های جزئی بی‌شمار، بیشتر است و در مقابل، مرد در برابر غریزه از زن ناتوان‌تر است.^۵

ج) بررسی متن حدیث

عام‌ترین و مهم‌ترین صفت انسانی بازدارنده، صبر است. «صبر» در لغت عرب به معنای

۱. همان.

۲. الوافی، ج ۲۱، ص ۷۸.

۳. مرآة العقول، ج ۲۰، ص ۳۲.

۴. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۷۲۴؛ الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، ص ۳۲۷؛ الکافی، ترجمه و شرح سید جواد

مصطفوی، ج ۵، ص ۳۳۸؛ الخصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، ص ۲۰۴؛ الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، ج ۲،

ص ۱۵۹؛ الخصال، ترجمه احمد فهری زنجانی، ج ۲، ص ۵۱۱؛ الخصال، ترجمه مرتضی مدرس گیلازی، ج ۲، ص ۳۵.

۵. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۲۰-۲۲۳.

«خویشتن داری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است».^۱ برخی آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند.^۲ و برخی، وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می‌کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع نهی می‌کنند، می‌دانند.^۳ همچنین نفس از اضطراب، اعتراض و شکایت و نیز به آرامش و طمأنینه گفته می‌شود.^۴ صبر در برابر شهوات شکم و غریزه جنسی، عفت نام دارد.^۵

در روایات مذکور، تفاوت صبر زنان و مردان، در برابر شهوت تصریح شده است، ولی در روایتی از امام صادق (ع)، صبر زنان به طور مطلق از مردان بیشتر بیان شده است:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ، فَإِذَا حَمَلَتْ زَادَهَا قُوَّةَ صَبْرِ عَشْرَةِ رِجَالٍ أُخْرَى؛^۶

خداوند تبارک و تعالی برای زن، صبری معادل صبر ده مرد قرار داده است. و آنگاه که حمل بردارد، قدرت ده مرد دیگر را نیز به وی می‌دهد.

سیاق روایت حاکی از فرونی صبر زنان به طور مطلق است و هنگام فرزندآوری بر قدرتش می‌افزاید. بنابراین، بر فرض حذف متعلق صبر و دلالت بر عمومیت آن، به استدلال ما ضرری نمی‌رساند؛ چرا که روایت دلالت می‌کنند که زنان به طور کلی در همه امور، صبورتر و مقاوم‌تر آفریده شده‌اند و صبر در برابر نیروی جنسی یکی از مصادیق صبر و تحمل زنان است. پس صبر در این روایت مطلق باشد یا مقید، می‌توان استفاده کرد که صبر زنان در برابر شهوت افزون‌تر از مردان است.

علاوه بر این، بخشی از خطبه مفصلی از امیرالمؤمنین (ع) درباره زنان، ظاهراً با روایاتی که درباره برتری صبر زنان نسبت به مردان در برابر شهوت ذکر شد، منافات دارد و قابل جمع نیست:

وَلَا صَبْرُ هُنَّ عِنْدَ شَهَوَتِهِنَّ؛^۷

زنان در موقع شهوتشان صبر ندارند.

۱. تاج العروس، ج ۷، ص ۷۱؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۷۳؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۸.

۲. صحاح اللغة، ج ۲، ص ۷۰۶؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۰۰۴.

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۴.

۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۸۲.

۵. جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۸۱.

۶. الخصال، ج ۲، ص ۴۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۱.

۷. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۴؛ الامالی (صدوق)، ص ۲۷۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۲.

در این روایت، اگر «شهوت» به معنای مطلق خواهش‌های نفسانی باشد، معنای عبارت آن است که زنان در خواهش‌های نفسانی خود (اعم از جنسی و غیر جنسی) صبر ندارند و هر چه را دلشان خواست، بی‌درنگ به دنبال تحقق آن هستند. در نتیجه، نسبت روایت اخیر، به روایات برتری صبر زنان در برابر شهوت جنسی، تخصیص عام به خاص است. معنای حاصل از تخصیص، آن است که زنان بر خواهش‌های نفسانی صبر ندارند، مگر در شهوت جنسی که نسبت به آن صبر بیشتری دارند.

و اگر مراد از «شهوت»، شهوت جنسی باشد، معنای این روایت این است که زنان در برابر شهوت جنسی صبر ندارند و ضعیف هستند و بنا به روایات سابق، مردان در برابر شهوت جنسی نسبت به زنان ضعیف‌ترند. بدین ترتیب، بین این روایات، تعارضی وجود ندارد. البته این روایت به لحاظ سندی ضعیف و مرفوع است و تاب تعارض با احادیث سابق ر - که صحیح و مسند بودند - هم ندارد.

برخی به پاره‌ای از آیات و روایات استدلال نموده و سعی در اثبات عکس نقیض نتایج به دست آمده از روایات سابق دارند تا حجتی دیگر بر نتایج به دست آمده باشد. آن‌ها سعی دارند اثبات کنند که مردان، در برابر نیروی جنسی، ضعیف‌تر از زنان آفریده شده‌اند و از تحمل کمتری برخوردارند. آن‌ها به آیات و روایات ذیل استدلال نموده‌اند:^۱

- آیه تجویز آمیزش در شب‌های ماه رمضان:

﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ﴾^۲

در شب‌های روزه‌داری آمیزش با همسران برای شما حلال گردید.

قبل از نزول این آیه، آمیزش در کل ماه رمضان حرام بود و به دلیل کم طاقتی مردان، این آیه نازل شد و رابطه جنسی در شب‌های ماه رمضان جایز گردید.

- روایت شکایت مردی از عزوبت:

جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَيْسَ عِنْدِي طَوْلٌ فَأَنْكِحَ النِّسَاءَ، فَإِلَيْكَ أَشْكُو الْعُزُوبِيَّةَ. فَقَالَ: وَفَرَّ شَعْرَ جَسَدِكَ، وَادِمِ الصِّيَامَ. فَفَعَلَ فَذَهَبَ مَا بِهِ مِنَ الشَّقَبِ؛^۳

۱. زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری در هستی‌شناسی زن، ص ۲۰۰-۲۰۵.

۲. سوره بقره، آیه ۱۷۸.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۶۴.

مردی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، من توانایی مالی ندارم که با زنان ازدواج کنم و از مجرد بودن به شما شکایت دارم. پیامبر خدا ﷺ فرمود: موی بدن را واگذار و همیشه روزه بگیر. آن مرد نیز چنین رفتار کرد. پس آن شدت شهوتی که داشت، خاموش شد.

برخی از مردان، خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسیدند و از حکم بوسیدن همسر در روز ماه رمضان، در حال روزه، سؤال کردند. حضرت پس از بیان مسأله، فرمود:

أَمَّا يَسْتَحْيِي أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَضْرِبَ يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ؟ إِنَّهُ كَانَ يُقَالُ: إِنَّ بَدْءَ الْقِتَالِ اللَّطَامُ؛^۱

آیا یکی از شما شرم نمی‌دارد از این که روزی را تا فرا رسیدن شب صبر نمی‌کند؟ این حقیقتی است که گفته‌اند: آغاز جنگ سیلی زدن است (یعنی همان طور سیلی کار را به جنگ می‌کشد، بوسه نیز کار را به جماع منتهی می‌سازد).

و در پایان، نتیجه می‌گیرند که مردان در برابر شهوت جنسی ضعیف آفریده شده‌اند. واضح است که حتی اگر نتایج به دست آمده، صحیح باشد، اثبات مدعای آن‌ها (ضعیف‌تر بودن مردان در برابر نیروی جنسی نسبت به زنان) نیست؛ چرا که در نتیجه به دست آمده، هیچ گونه نسبیتی بین زنان و مردان مطرح ننموده و تنها به بیان ضعف مردان در مقابل شهوت جنسی بسنده می‌نماید. شاید تنها بتوان نتیجه به دست آمده حاصل از این استدلال را، در کنار روایات سابق در نظر گرفت و مؤیدی بر ضعف بیشتر مردان در مقابل شهوت جنسی نسبت به زنان دانست.

در نتیجه، از مجموع روایات فهمیده می‌شود که زنان شهوت شدیدتری نسبت به مردان دارند؛ اما خداوند، طبق حکمت بالغه خود، صبر را - که نیروی بازدارنده است - به اندازه شهوت در آن‌ها قرار داده است.

طبق روایت، حیا در زن طی مراحل، به مرور زمان کاهش می‌یابد؛ اما در مقابل شهوت آن، عوامل بازدارندگی دیگری ایجاد می‌شود؛ علاقه به حفظ کانون خانواده و علاقه مادر به فرزندان و توانایی‌های اخلاقی حاصل از مراقبت از یک انسان، از دوره بارداری تا دوره‌های بالاتر، از عوامل بازدارنده، در انحراف زنان پس از ازدواج و فرزنددار شدن محسوب می‌شوند.^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲. پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۱۰۲.

صبر و بردباری در بسیاری از شرایط از عوامل مکمل در خودنگهداری زنان است. بنابراین، به نظر می‌رسد در هر کدام از مراحل کاهش حیا، عواملی جایگزین باعث مصون ماندن زنان از آسیب‌های ناشی از این کاهش خواهند بود. لذا حیا، انسان را به مهار کردن وای دارد و صبر، دشواری آن را هموار می‌سازد. بنابراین، این دو مکمل یکدیگرند؛ یکی به مهار کردن وای دارد و دیگری سختی آن را هموار می‌سازد.^۱

می‌توان حکمت تفاوت حکم فقهی زن و مرد، در تمکین جنسی را به خاطر همین تفاوت طبیعی بین زن و مرد دانست. به لحاظ شرعی تمکین زن از مرد در امور جنسی، در صورت تمایل مرد، واجب است، ولی چنین لحنی درباره تمکین جنسی مرد از زن، در صورت تمایل زن، وجود ندارد؛ چرا که قدرت خویشتن‌داری زنان در امور جنسی بیش از مردان است؛ اما مردان تحریک‌پذیرتر و در کنترل خود ناتوان‌ترند و با کمترین شگردها و ناز و عشوه‌های زنانه به دام می‌افتند.

۳. بررسی تحقیقات علوم تجربی درباره خویشتن‌داری جنسی

نظرات مختلفی درباره رابطه دین با علوم تجربی مطرح می‌شود که براساس رویکردهای مختلف می‌توان به سازگاری (تکمیل و تأیید) و ناسازگاری (تعارض و تمایز) تقسیم کرد.^۲ بر اساس نظریه‌های سازگاری علوم تجربی، اصول اخلاقی همواره پیوند نزدیکی با عقایدی که درباره ماهیت حقیقت است، دارند. بنابراین، می‌توان از مقدمات تجربی کمک گرفت و مسائل اخلاقی را اثبات کرد^۳ و برای اعتبارسنجی ویژگی‌های اخلاقی، می‌توانیم به عنوان مؤید آن‌ها، به بررسی نتایج تحقیقات علوم تجربی بپردازیم.

بررسی پوشش را به عنوان یکی از نمادهای ظاهری و علنی حیا و عفت، ملاکی در بررسی میزان خویشتن‌داری جنسی می‌دانند. قراین بسیاری نشان می‌دهد که زنان در طول اعصار در جوامع متمدن پوشیده بوده‌اند و در اکثر جوامع حضور اجتماعی زنان با پوشش‌هایی که تقریباً تمام حجم بدن را پوشانده باشد، متداول بوده است.^۴

۱. زن در اسلام، ص ۱۰۵.

۲. «علم و دین در آرای علوم اجتماعی: از تعارض تا تعامل»، ص ۴۳-۷۴؛ «نظریه‌ها و آراء در باب نسبت علم و دین»، ص ۹۵-۱۲۴.

۳. مبادی اخلاق در قرآن، ص ۲۹.

۴. «حجاب و رابطه آن با تکامل اجتماعی»، ص ۲۲۸-۲۰۱.

به عقیده ویل دورانت^۱ و ویلیام جیمز^۲ حیا و خودداری ظریفانه زن، غریزه نیست، بلکه دختران هوا در طول تاریخ دریافتند که عزت و احترامشان به این است که به دنبال مردان نروند.^۳ لیکن امروزه با نشر و گسترش فرهنگ غرب، برگرفته از نظریات فروید و اتباع وی و همچنین اخلاق نوین برتراند راسل^۴، مبتنی بر آزادی جنسی و همچنین نظریات فمینیستی مبتنی بر تساوی زن و مرد، کمتر شاهد آن گونه حیا و خودداری‌های جنسی هستیم.^۵ شاید بتوان هرزه‌پوشی را ارمغان عصر جدید، به ویژه یک قرن اخیر دانست.^۶

آنچه قابل توجه است، این‌که فرهنگ‌های مختلف هیچ‌گاه خالی از تمایز جنسیتی در این زمینه نبوده‌اند؛ تمایزی که بر حسب آن، زنان برای حفظ عفت جنسی به مراتب بیش از مردان، مورد خطاب و عطاب و تشویق و تنبیه قرار می‌گیرند و همچنین جرایم و تخلفات جنسی زن، احساس ننگ و رسوایی بیشتری برای او و خانواده‌اش در مقایسه با جرایم و تخلفات جنسی مرد، در پی دارد.^۷

نظریه پردازان غربی - که ریشه حیا را غیرطبیعی دانسته‌اند - برای تبیین و تعیین عامل غیرطبیعی، وحدت نظر ندارند. می‌توان گفت که علت اصلی تمایل این افراد به غیرطبیعی دانستن این احساسات، عدم موفقیت برای توجیه صحیح، واقعی و وجدانی این احساسات است؛ نه این‌که واقعاً طبیعی نباشد.^۸

به نظر می‌رسد، انسان‌ها در طول تاریخ، به سمت اتخاذ رویکردهای نسبتاً متفاوت جنسیتی در موضوع عفت و حیا و خویش‌داری جنسی، سوق یافته‌اند و باعث شده در سیاست‌ها و تدابیر کنترل جنسی، بیشتر بر زنان متمرکز شوند و در همین زمینه کوشیده‌اند و ابزارهای فرهنگی و قانونی را، صرف نظر از افراط‌ها و تفریط‌ها، در خدمت سیاست‌های مورد نظرشان به کار گیرند؛ اما نقش عوامل فرهنگی در این زمینه باید در امتداد نقش عوامل

1. Will Durant.

2. William James.

۳. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۵۳.

4. Bertrand Russell.

۵. همان، ص ۶۳۵.

۶. «حجاب و رابطه آن با تکامل اجتماعی»، ص ۲۲۸ - ۲۰۱.

۷. جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی، ص ۵۸.

۸. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۶۳۶.

طبیعی مورد توجه قرار گیرد و نمی‌توان با دیدگاه‌های محیط گرایانه موافقت کرد که بی‌توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد می‌کوشند فهم‌ها، رفتارها و تجربه‌های جنسی متفاوت آنان را، فقط برپایه نظریه ساخت اجتماعی، تبیین کنند؛^۱ چرا که برخی زیست‌شناسان و روان‌شناسان به فطری و غریزی بودن حیا و عفت در زن (و بلکه در جنس ماده) اذعان دارند. دکتر فخری، فیزیولوژیست مصری، در این باره می‌گوید:

اصل و مبدأ احساس حیا، همان احساس حیوانی جنس ماده درباره حیاست و به همین جهت می‌بینیم نوعاً احساس حیا در زنان از مردان قوی‌تر است.^۲

تحقیقات روان‌شناسان نشان داده است که در هیجاناتی همچون خجالت و شرم، زنان بیشتر از مردان ابرازگری دارند^۳ و زنان در مقابل غریزه جنسی بسیار مقاوم هستند؛ به عکس، مردان به سرعت و شدت در برابر مناظر تحریک‌آمیز، دچار طغیان شهوت می‌شوند و مقاومت خویش را از دست می‌دهند.^۴ شدت اورگاسم (اوج لذت جنسی)^۵ در زنان بیشتر از مردان است^۶ و ارگاسم آنان طولانی‌تر است.^۷

همچنین تحقیقات معتقدند انواع انحرافات جنسی، مانند چشم‌چرانی، آلت‌نمایی، هم‌جنس‌بازی، استمناء، زن‌جامگی و رفتار سادیستیک، در میان مردان بیشتر به چشم می‌خورد. در مجموع، روان‌شناسان بر این عقیده‌اند که هرزه‌گی‌ها و انحرافات جنسی اصولاً مربوط به جنس مرد است و مرتکبان جرایم جنسی بیشتر مردان مجرد و جوان‌اند.^۸ همچنین برخی از روان‌شناسان معتقدند:

حیا با آفرینش زن به هم آمیخته است و تطورات جسمی دوران بلوغ - که معمولاً با بروز حالت روحی و روانی گوناگونی همراه است - عامل درونی حیا را به نمایش می‌گذارد.

۱. جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی، ص ۵۹.

۲. المرأة و فلسفة التناسلیات، ص ۲۷۸؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۲۶.

۳. روان‌شناسی زن و مرد، ص ۱۹۷.

۴. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)، ص ۲۲۰؛ روان‌شناسی یا روش علمی در شناخت ماهیت آدمی، ص ۸۹.

5. orgasm.

۶. تفاوت‌های زنان و مردان، ص ۱۴.

۷. روان‌شناسی زن و مرد، ص ۲۱۶.

۸. خلاصه روان‌پزشکی: علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ص ۱۵۲.

سپس درباره آثار بلوغ در دختران می‌گویند:

خجالت در او (حیا) زیاد و تأملش در حرکات و اطوار خویش فوق‌العاده گردیده و میلش به انفراد و تنهایی زیاد خواهد شد.^۱

همچنین «منتسکیو»^۲ می‌گوید:

تمام ملل جهان در این عقیده مشترک‌اند که زن‌ها باید حجب و حیا داشته باشند تا بتوانند خودداری کنند. علتش این است که قوانین طبیعت این طور حکم کرده است و لازم دانسته زن‌ها محجوب باشند و بر شهوات غلبه نمایند. طبیعت مرد را طوری آفریده که ته‌ورزش زیادتر باشد، ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحملش زیادتر باشد. بنابراین، هرگز نباید تصور کرد که افسارگسیختگی زن‌ها بر طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسارگسیختگی بر خلاف قوانین طبیعت است و بر عکس، حجب و حیا و خودداری مطابق قوانین طبیعت است.^۳

در اینجا نظریاتی بیان شد، ولیکن دقیق‌ترین آن‌ها این است که، حیا و عفت و سترو پوشش‌تدبیری است که، خود زن، با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود، دریافته است که، که از لحاظ جسمی نمی‌تواند با مرد برابری کند و برای گران‌بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است.^۴ زن به الهام فطری دریافته است که عزت و احترام او به این است که خود را، رایگان در اختیار مرد قرار ندهد و همین‌ها سبب شده، که زن توانسته با همه ناتوانی جسمی، مرد را به عنوان خواستگار به آستانه خود بکشانند.^۵ علی‌رغم ترویج عمومی نظریه‌های جنسی مبنی بر آزادی جنسی در غرب، گرایش روز افزون زنان به اسلام و حجاب اسلامی در دهه‌های اخیر،^۶ خود شاهی برای مدعاست.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روایاتی که بر فزونی صبر زنان نسبت به مردان دلالت دارد، به لحاظ سندی در شیعه مورد

۱. حجاب در ادیان الهی، ص ۲۶.

2. Montesquieu.

۳. روح القوانين، ص ۴۳۶؛ زن در آینه تاریخ، ص ۱۱۵.

۴. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۶۳۶ و ص ۴۲۱.

۵. همان، ص ۶۳۶ و ص ۱۹۹.

۶. «زنان و حجاب»، ص ۳۰۹-۳۳۰.

تأیید بوده و به لحاظ محتوایی هم از نظر متقدمان و متأخران شیعی روشن بوده و مدعای آن، یعنی فزونی صبر زنان نسبت به مردان، مقبول است.

روایات دال بر فزونی حیای زنان نسبت به مردان، علی رغم این که به لحاظ سندی اعتباری به اندازه روایات صبر نیافته اند، اما همگی در کتب معتبر شیعی بیان شده و به لحاظ محتوایی هم، نه تنها مورد ردّ واقع نشده اند، بلکه نسبت به اصل این تفاوت ها اجماع است. روایات متعددی نیز مضمون این روایات را تأیید می نماید. لذا در مجموع، می توان دریافت این روایات - که فراتر از یک روایت واحدند - حاکی از فزونی این ویژگی ها در زنان نسبت به مردان است. از قرینه مقام و سیاق استفاده می شود که در این روایات، مطلق حیا و صبر منظور نیست، بلکه مقصود، حیا و صبر در برابر شهوت جنسی هستند.

این روایات برخاسته از طبیعت و تکوینی بودن این دو ویژگی و همراه بودن آن با زنان اشاره دارند. در مقابل فزونی شهوت زنان نسبت به مردان، حیا و صبر آنان هم بیشتر است که دال بر عدالت در خلقت و تعادل بین قوا است. از طرفی حیا، انسان را به مهار کردن و امی دارد و صبر، دشواری آن را هموار می سازد. بنابراین، حیا و صبر - که نوعی خویش داشتن داری جنسی هستند - مکمل یکدیگرند و تحقیقات علوم تجربی نیز مؤید این نتایج است.

لازم به ذکر است که طبیعت دانستن حیا و صبر در مقابل شهوت جنسی، دلیلی بر رد تأثیر عوامل بیرونی همچون آموزش، فرهنگ، سیاست و محیط و ... نیست.

در پایان باید بیان کرد که تفاوت گذاری حیا و صبر در مقابل شهوت جنسی در آموزه های شیعی بر اساس جنسیت، تأییدی بر نفی تساوی انگاری مطلق در ویژگی های اخلاقی زن و مرد است. در نتیجه، تأثیر جنسیت بر فضایل اخلاقی محرز می گردد و سندی بر اعتبار تفکیک نقش ها بر اساس جنسیت در سنت شیعی است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- الامالی، محمد بن علی بن بابویه صدوق، ترجمه: محمد باقر کمره ای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

- البلد الأمين، ابراهیم بن علی کفعمی، تهران: مكتبة الصدوق، ۱۳۸۳ش.
- پژوهشی در فرهنگ حیا، عباس پسندیده، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش.
- تاج العروس فی شرح القاموس، مرتضی زبیدی و محمد بن یعقوب فیروزآبادی، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرعاملی، تصحیح: مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- جامع أحادیث الشيعة جامع أحادیث الشيعة، آقا حسین بروجردي، تصحیح: جمعی از محققان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، ترجمه: جلال الدین مجتبی (علم اخلاق اسلامی)، تهران: حکمت، چاپ سوم، ۱۳۷۰ش.
- جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی، حسین بستان (نجفی)، قم: هاجر، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
- حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنایی، قم: اشراق، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
- الحجاب، ابوالاعلی المودودی، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، بی تا.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه: احمد فهری زنجانی، تهران: علمیه اسلامی، چاپ اول، بی تا.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه: مرتضی مدرس گیلانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، ترجمه: یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری - روانپزشکی بالینی، هارولد کاپلان، بنیامین سادوک، ترجمه: نصرت الله پورافکاری، تهران: ارجمند، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.

- روان‌شناسی اختلافی زن و مرد، روزه پیره، ترجمه حسین سروری، تهران: انتشارات جان‌زاده، چاپ سوم، ۱۳۷۰ ش.
- روان‌شناسی زن و مرد، علی احمد پناهی و مسعود جان بزرگی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۶ ش.
- روان‌شناسی یا روش علمی در شناخت ماهیت آدمی، ابراهام اسپرلینگ، ترجمه: مهدی محی‌الدین بناب، تهران: نشرروز، ۱۳۶۷ ش.
- روح القوانین، شارل منتسکیو و لوئی دوسکوندن، ترجمه: علی اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۲ ش.
- روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمدتقی مجلسی، تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- روضة الواعظین، محمد بن احمد فتال نیشابوری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشرنی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- زن در آینه تاریخ، علی اکبر علویقی، تهران: بی‌نام، چاپ اول، ۱۳۵۷ ش.
- زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری در هستی‌شناسی زن، اسدالله جمشیدی و دیگران، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- صحاح اللغة، اسماعیل بن حماد جوهری، تحقیق: احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
- علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه صدوق، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- علم و دین، ایالین باربور، ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ نهم، ۱۳۹۴ ش.
- الفوائد الطوسیة، محمد بن حسن حرعاملی، قم: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.

- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: دارالحدیث، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- لذات فلسفه، ویل دورانت، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
- لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- مبادی اخلاق در قرآن، عبدالله جوادی آملی، تحقیق: حسین شریفی، قم: اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۷ش.
- مجمع البحرین، فخرالدین بن محمد طریحی، تحقیق و تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
- مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ش.
- المرأة و فلسفة التناسلیات، فرج، فخری، بی جا: مطبعة العصریه، بی تا.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدتقی مجلسی، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مشکاة الأنوار، علی بن حسن طبرسی، قم: کتابخانه حیدریه و ناشران دیگر، ۱۳۸۴ق.
- مفردات الفاظ القرآن الکریم، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)، مجتبی هاشمی رکاوندی، قم: شفق، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه: سید محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.

- نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، چاپ پنجاه و سوم، ۱۳۸۹ش.
- الوافی، محمد محسن بن شاه مرتضی، فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- «حجاب و رابطه آن با تکامل اجتماعی»، شیده صادقی، بانوان شیعه، ش ۱۱، ۱۳۸۶، ص ۲۲۸-۲۰۱.
- «زنان و حجاب»، هلن واتسون، ترجمه: مرتضی بحرانی، مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۰، ۱۳۸۲، ص ۳۰۹-۳۳۰.
- «علم و دین در آرای علوم اجتماعی: از تعارض تا تعامل»، مجید موحد و احسان حمیدی زاده، اندیشه دینی، ش ۳۲ (۱۳۸۸): ص ۴۳-۷۴.
- «نظریه‌ها و آراء در باب نسبت علم و دین»، محمدرضا قائمی نیک، راهبرد فرهنگ، ش ۶، ۱۳۸۸، ص ۹۵-۱۲۴.